

بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست با نگاهی به توسعه پایدار

فرهاد دبیری^۱

سید عباس پورهاشمی^۲

فخرالضحی روستا^{۳*}

Zoharoustal@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۶/۷/۲۰

تقریباً همه اصول حقوق بین الملل محیط زیست در جهت اثبات مفهوم توسعه پایدار به کار می آیند. اصولی از قبیل: اصل حاکمیت بر منابع طبیعی، اصل تعهد به همکاری، اطلاع رسانی و کمک در مواقع اضطراری زیست محیطی، اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست، اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده کننده محیط زیست، اصل جلوگیری و اصل احتیاطی. اگر چه درجه الزام آوری آن ها متفاوت است اما به این اصول باید در یک مجموعه واحد نگریست چراکه هر اصولی اصول دیگر را تکمیل می کند. البته مفهوم توسعه پایدار به طور مستقیم و واضح در میان مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست بیشتر از اصول به چشم می خورد. در این تحقیق به بررسی اصول در کنار مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: اصول حقوق بین الملل محیط زیست، توسعه پایدار، حفاظت محیط زیست

۱- استادیار دانشکده محیط زیست و انرژی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

۲- استادیار دانشکده محیط زیست و انرژی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

۳- کارشناس ارشد حقوق محیط زیست دانشکده محیط زیست و انرژی، واحد علوم و تحقیقات * (مسئول مکاتبات)

مقدمه

حقوق محیط زیست، ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است. این حقوق در تعیین خط مشی ها و اقدامات حفاظتی محیط زیست و همچنین استفاده معقولانه و پایدار از منابع طبیعی موثر است.

همان گونه که در اسناد و بیانیه های مهم بین المللی درباره محیط زیست از جمله بیانیه ریو نیز مورد تاکید قرار گرفته است، در مراحل تکامل طولانی و دشوار بشر بر روی زمین، مرحله ای فرا رسیده است که در آن، انسان به یاری پیشرفت سریع علوم و فن آوری به روش های متعدد و در مقیاس های غیر قابل پیش بینی، قدرت تغییر محیط زیست خود را به دست آورده است. این وضعیت نه تنها نسل کنونی بشر را با تهدیدی جدی مواجه ساخته، بلکه بقای بشر را نیز به طور جدی در معرض خطر قرار داده است.

یکی از مهم ترین منابع مورد اتکا برای مقابله با این خطرات و تهدیدها و تنظیم رفتار تابعان حقوق بین الملل، حقوق بین الملل محیط زیست است. امروزه توسعه پایدار کلید حل اکثر مسائل زیست محیطی می باشد و از اساسی ترین موضوعات حقوق بین الملل محیط زیست به شمار می رود؛ به طوری که از آن می توان به عنوان اصلی ترین هدف توسعه و تدوین حقوق بین الملل محیط زیست نام برد. تا حدی که اهمیت توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست باعث شده که جهان شاهد تحول این شاخه حقوقی به حقوق بین الملل توسعه پایدار باشد.

بیانیه های ریو و استکهلم، دستیابی به توسعه پایدار را مستلزم حفاظت از محیط زیست عنوان نموده و دستورکار ۲۱ نیز با ادغام این دو مفهوم، علاوه بر پیشنهاد تشکیل کمیسیون توسعه پایدار، خواستار جهت گیری حقوق بین الملل محیط زیست در راستای مفهوم توسعه پایدار گردیده است. لازم به ذکر است این کمیسیون کمک شایان توجهی به ارتقای مفهوم توسعه پایدار نموده است.

در این مقاله به منظور درک بهتر از مفهوم توسعه پایدار به ذکر اصول و مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست در رابطه با آن پرداخته شده است.

اصول حقوق بین الملل محیط زیست مرتبط با توسعه پایدار

اصل حاکمیت بر منابع طبیعی

دولت ها از حق حاکمیت انحصاری بر منابع طبیعی خود برخوردارند، اما اعمال این حق نباید سبب ورود خسارت به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت دولت ها شود (۱).

حاکمیت و صلاحیت انحصاری دولت ها بر سرزمین خود در اصل به معنی این است که فقط آن ها می توانند سیاست ها و حقوق مربوط به منابع طبیعی و محیط زیست سرزمینشان را گسترش دهند. محدوده حق حاکمیت بر منابع طبیعی عبارت است از:

- ۱- سرزمین داخل مرزها و خاک زیرین آن ها
 - ۲- آب های داخلی مثل دریاچه ها، رودخانه ها و آبراهه ها
 - ۳- دریای سرزمینی و منابع بستر و زیر بستر آن
 - ۴- فضای بالای خاک، آب های داخلی و دریای سرزمینی تا جایی که نظام حقوقی فضای بالای جو آغاز می شود. همچنین دولت ها حقوق حاکمیت محدودتری بر مناطق دیگر، شامل مناطق مجاور، نزدیک به دریای سرزمینی، فلات قاره، بستر و زیر بستر آن و منطقه انحصاری - اقتصادی دارند.
- غیر از موارد بالا، مناطقی وجود دارند که تحت حاکمیت هیچ کشوری نیستند، این مناطق که گاهی به مشترکات جهانی تعبیر می شوند، شامل دریاهای آزاد و بستر و زیر بستر آن، فضای ماورای جو و قطب جنوب هستند (۱).
- حاکمیت بر منابع طبیعی، به عنوان منشأ یک سلسله از تکالیف تفسیر شده است. به ویژه تکلیف استفاده پایدار و

مردم بومی و حفاظت و استفاده پایدار از منابع طبیعی و حمایت از محیط زیست از جمله اکوسیستم ها، می داند. در ادامه بیان می کند که دولت ها باید خواسته و نیازهای نسل های آینده را هم در نظر داشته باشند. تمام عوامل مربوط (از جمله دولت ها، صنایع مربوطه و سایر مولفه های جامعه مدنی) مکلف به منع استفاده اسراف گرایانه از منابع طبیعی هستند.

همچنین پاراگراف سوم اصل اول این اعلامیه بیان می کند که: حفاظت و حمایت و تقویت محیط زیست طبیعی، به ویژه مدیریت صحیح سیستم آب و هوا، تنوع زیستی، جانوران و گیاهان، مسایل مشترک بشریت هستند. منابع خارج از جو و اجرام سماوی و منابع کف دریاها و اقیانوس ها و زیر خاک که تحت محدوده های قلمرو ملی هستند، میراث مشترک بشریت می باشند (۴).

اصل تعهد به همکاری، اطلاع رسانی و کمک در

مواقع اضطراری زیست محیطی

در زمینه حمایت از محیط زیست، همکاری بین المللی برای حفاظت از محیط زیست یک اصل ضروری است، به ویژه برای دولت ها در جهت حق اعمال صلاحیت سرزمینی در فضای خارج از قلمرو و مرزهایشان، از جمله دریاهای آزاد، منطقه قطب جنوب و یا جاهای دیگر این همکاری ضروری است (۲).

بر طبق این اصل دولت ها موظف هستند، در همه شرایط و با حسن نیت برای حفاظت از محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند. در این راستا، آن ها باید قبل از وقوع حوادث زیست محیطی، سایر کشورها را از وجود خطرات احتمالی زیست محیطی آگاه سازند و با هدف جلوگیری از گسترش و کاهش آثار مخرب این گونه وقایع بر محیط زیست با آنان همکاری نموده و به کشورهای در معرض خطر نیز کمک کنند. اصل تعهد به همکاری همه کشورهای جهان در حفاظت از محیط زیست در بسیاری از اسناد بین المللی از جمله بیانیه استکهلم، بیانیه ریو، برخی قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل و آرای قضائی محاکم بین المللی مورد استناد قرار گرفته

محتاطانه از منابع طبیعی، حفاظت از تنوع زیستی و حذف یا کاهش فرسایش خاک، جنگل زدایی، صید بی رویه و آلودگی.

اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) جزء اولین اسنادی بود که تصریح کرد: اصل حاکمیت بر منابع طبیعی باید در یک روش معتبر زیست محیطی اعمال شود. و به طور صریح در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم گفته شده: «دولت ها طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین الملل دارای حق حاکمیت بهره برداری از منابع طبیعی خود مطابق سیاست های زیست محیطی خود می باشند.» (۲) اضافه می شود که اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم به طور کامل در ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) و بند الف اصل اول اصول جنگل ها (۱۹۹۲) آمده است.

سپس اصل ۲ اعلامیه ریو (۱۹۹۲)، با تغییراتی مختصر اما مفید، این مطلب را تکرار می کند و عبارات «سیاست های زیست محیطی» و «سیاست های محیط زیست و توسعه» را اضافه می کند. این اصل در مقدمه کنوانسیون تغییرات آب و هوایی (۱۹۹۲) نیز آمده است.

پس از ذکر اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو به عنوان اسناد قابل استفاده در سطح بین المللی دیوان دادگستری تعهد به این اصول را قسمتی از حقوق بین الملل محیط زیست می داند (۳).

واقعیت این است که تخریب محیط زیست حتی وقتی کاملاً خارج از مرزهای یک کشور اتفاق می افتد، ممکن است سبب بروز خسارات جهانی شود. از جمله این خسارت ها (تخریب لایه ازن، گرم شدن کره زمین، تغییرات آب و هوایی، فرسایش خاک، بیابان زایی و ...) می باشد.

با استفاده از اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو که ریشه عرفی دارد (۶)، می توان کشورها را به سوی قبول تعهد کلی حفاظت از محیط زیست و در نهایت اعمال توسعه پایدار هدایت کرد.

اعلامیه دهلی نو، هند (۶-۲ آوریل ۲۰۰۲)، نیز در پاراگراف دوم اصل اول دولت ها را مکلف به مدیریت منابع طبیعی سرزمینی یا تحت قلمرو ملی به روش عاقلانه و پایدار البته با در نظر گرفتن توسعه ملت ها با توجه ویژه بر حقوق

است. چنان که بر اساس این اصل، دادگاه بررسی کننده قضیه مجارستان و اسلواکی اعلام داشت. اسلواکی به دلیل «عدم همکاری بر اساس حسن نیت» تعهدات خود تحت حقوق بین الملل را نقض کرده است: تعهد به همکاری، طیف وسیعی از همکاری ها، از تامین منابع و فن آوری لازم و برگزاری دوره های آموزشی تا تبادل اطلاعات و مشورت و کمک به هنگام موارد اضطراری زیست محیطی را شامل می شود (۵).

اعلامیه استکهلم در اصل ۲۲ محدوده و موضوعات همکاری را مشخص کرده است و پس از آن، تعهد دولت ها را به فعال کردن سازمان های بین المللی به عنوان بزرگ ترین نماد همکاری بین دولت ها در زمینه محیط زیست، بیان نموده است. اصل ۲۴ این اعلامیه نیز راهکارهایی را برای همکاری بین المللی پیشنهاد کرده از جمله: (انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه) البته همکاری را فقط به این راه ها منحصر نکرده و در ادامه طرق مناسب دیگری که به تشخیص خود دولت ها گذاشته، متذکر شده است.

در این چارچوب، اعلامیه استکهلم صرفاً چند اصل کلی مربوط به روند همکاری بین المللی را با عنوان های محدود بیان کرده و ترتیبی برای همکاری بین المللی در زمینه مبادله اطلاعات راجع به فعالیت ها یا رخدادهای تازه درون محدوده های صلاحیت ملی که برای محیط زیست مناطق خارج از این محدوده ها خطرناک هستند، ندارد (۳).

اما اعلامیه ریو این خلأ را پر کرد و اصولی را به تعهد دولت ها به دادن اطلاع اختصاص داد و تعهد عمومی به همکاری مبنای بسیاری از تعهدات دیگر از جمله تعهد به مبادله اطلاعات، مشاوره، مذاکره و اطلاع رسانی شد. در زیر به برخی از اصول اعلامیه ریو در خصوص این اصل اشاره می شود.

اصل ۵ اعلامیه ریو، همه دولت ها و تمامی انسان ها را موظف به همکاری با یکدیگر برای رفع محرومیت ها به عنوان شرط لازم الاجرای توسعه پایدار دانسته است. اصل ۹ اعلامیه ریو، تقویت همکاری در راستای اصل توسعه پایدار یا اصلاح و بهبود بخشیدن فهم یا تبادل اطلاعات علمی و شناخت درست فن آوری و توسعه (همهانگ با هم) را خواستار شده و توسعه و

انتقال فن آوری و دسترسی به دستاوردهای جدید فن آوری و سرعت بخشیدن به آن ها را مورد توجه قرار داده است (۲). اصل ۱۴ اعلامیه ریو نیز راجع به تعهد دولت ها به همکاری در مورد انتقال و جا به جایی مواد زیان بار است. در اصل ۱۸ اعلامیه ریو، دولت ها موظف شده اند، کشورهای دیگر را بلافاصله از حوادث و فجایع طبیعی یا موارد اضطراری دیگر که به نظر می رسد آثار سویی بر محیط زیستشان داشته باشد، مطلع نمایند. اصل ۱۹ تاکید می کند که اطلاع رسانی باید تخصصی و به موقع باشد و در انتهای این اصل می گوید: «مشاوره باید در فضای با اعتماد کامل صورت بگیرد.» باید توجه کرد که اعتماد کامل شرط اساسی در روابط بین دولت ها تلقی می شود و جایگاه ویژه ای در حوزه آثار برون مرزی فعالیت های معین دارد (۲). و اصل ۲۷ اعلامیه ریو مبتنی بر تعهد کلی و عمومی دولت ها در همکاری برای رسیدن به توسعه پایدار است.

اصل تعهد به مشورت به هنگام انجام فعالیت های خطرناک یا حوادث اضطراری هسته ای و کمک در این موارد نیز از مصادیق تعهد به همکاری در زمینه حفاظت از محیط زیست است. این امر در شرایط خاصی مانند آلودگی های گسترده دریایی و حوادث هسته ای، از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین کشورها علاوه بر تبادل اطلاعات و مشورت با کشورهای در معرض خطر، باید به هنگام موارد اضطراری به آن ها کمک کنند. در عین حال باید خاطرنشان ساخت که هر گونه کمکی باید با درخواست و اجازه کشور مورد نظر صورت پذیرد، در غیر این صورت، اقدام به کمک رسانی بدون مجوز کشور حادثه دیده، مداخله در امور داخلی آن کشور محسوب خواهد شد. البته قابل ذکر است که بر اساس حقوق بین الملل محیط زیست، دخالت در امور سایر کشورها به بهانه حفاظت از محیط زیست ممنوع است (۵).

باید متذکر شد که اصل اطلاع رسانی در ماده ۱۹۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نیز وارد گردیده و بر طبق آن یک دولت بلافاصله پس از آگاهی از احتمال خطر قریب الوقوع یا ورود خسارت به محیط زیست دریایی، موضوع را به سایر دولتی که احتمال می دهد چنین خسارتی به آن ها لطمه بزند،

متعهد هستند که از محیط زیست دریایی حمایت و محافظت نمایند. «البته باید توجه داشت که این التزام صرفاً مربوط به یک بخش از محیط زیست است. هر چند دربردارنده اصل کلی قابل توجه مبنی بر شمول همه مناطق دریایی است اعم از آن بخش از دریای سرزمینی که در انحصار صلاحیت دولت ساحلی است و آن قسمت از مناطق مشترک مانند دریاهاى آزاد و یا حتی میراث مشترک بشریت مانند منابع کانی بستر دریا را نیز شامل می شود.

کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) نیز در خصوص تنوع گونه های زیستی در ماده ۶، فهرست اقدامات کلی را که باید در جهت حفاظت و استفاده معقولانه از منابع زیستی اتخاذ شود، دربر دارد. از آن جمله: راهبردهای توسعه معقولانه را در تکمیل طرح ها یا برنامه ها تا آن جا که امکان پذیر و مناسب باشد در جهت حمایت و استفاده معقولانه از تنوع گونه های زیستی در طرح ها، برنامه ها و سیاست های بخشی و فرابخشی به طور مناسب اعمال می کند. در حوزه های مختلف دیگر نیز در چارچوب کنوانسیون ۱۹۹۲ تغییرات آب و هوا در بند ۱ ماده ۳ اعلام می کند که: اعضا باید سیستم آب و هوا را به نفع نسل های فعلی و آتی بشر مورد حمایت قرار دهند. همین طور در ماده ۴ تعهدات جزئی تری را برای طرفین پیمان معین می کند.

تعریف رسمی از اصطلاحات حفاظت کردن^۱ و نگه داری کردن^۲ وجود ندارد، اما هر دو در ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها به کار رفته اند که به صراحت معنی شان با هم فرق می کند. آن چه از کلمه حفاظت^۳ می توان دریافت، دربردارنده یک اصل کلی است که شامل هر دو این تعابیر می شود از جمله خودداری از اعمال زیان آور و اتخاذ اقدامات مثبت برای مراقبت در حدی که به خرابی محیط زیست منتهی نشود. در مفهوم عام حفاظت شامل طرح جامع اکولوژیک و مدیریت مربوط به آن به انضمام قوانین پایه ای، رویه ها و سازمان های ذیربط در مقیاس ملی می شود.

اطلاع خواهد داد. دیوان بین المللی دادگستری نیز در قضیه کانال کورفو اعلام داشته است که دولت ها موظف هستند دول دیگر را از وجود خطرات احتمالی در سرزمینشان مطلع نمایند(۵).

بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی نیز مثال خوبی در این زمینه است: «تمام کشورها باید به طور کامل، باز و آشکار در مبادله اطلاعات علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و حقوق مربوطه ... همکاری کنند.» و طبق بند ۴ همین کنوانسیون، کشورهای پیشرفته باید تمامی اقدامات لازم را برای ترغیب، تسهیل و تامین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی ها و فن آوری کامل و معقول زیست محیطی به سایر اعضا، به ویژه به کشورهای در حال توسعه جهت ارتقای توان آن ها انجام دهند. همچنین باید از توسعه و ارتقای فن آوری و قابلیت های کشورهای در حال توسعه حمایت نمایند.

در راستای سرمایه گذاری بین المللی و کمک های مالی در روابط بین کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه نیز بند ۲۰ کنوانسیون تنوع زیستی مثال مناسبی برای این منظور است که به موجب آن کشورهای توسعه یافته باید منابع مالی جدید و اضافی را فراهم کنند تا کشورهای در حال توسعه بتوانند کل هزینه های افزون بر موارد توافق را در مورد انجام اقدامات لازم مطابق تعهدات این کنوانسیون برآورده سازند(۶).

از این رو، اصل همکاری یکی از مهم ترین اصول حقوق بین الملل محیط زیست است و بیشتر اصول و مقررات حقوق بین الملل محیط زیست بدون همکاری میان دولت ها قابل اجرا نخواهد بود.

اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست

هر چند در همه اسناد بین المللی راجع به حمایت و حفاظت از محیط زیست، هدف روی بخش و موضوعات معینی دور می زند، اما تنظیم اصول عمومی مبنی بر موجودیت بخشیدن همه الزامات در یک اصل کلی یک استثناست. یکی از متون مشخص در مورد این اصل ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاهاى سازمان ملل متحد است که می گوید: «دولت ها

1- Protect
2- Preserve

آن چه از اصطلاح نگه داری^۱ تداعی می شود مراقبت طولانی تر با در نظر گرفتن حقوق و منافع نسل های آینده است و این که برای چه اشخاصی از منابع طبیعی باید حفاظت شود (۶).

اصطلاح محافظت^۲ دارای یک حوزه محدودتری است، اما شامل عنوان حفاظت^۳ نیز می شود. این اصطلاح به طور معمول در حوزه منابع حیاتی و آنهم بر مبنای وضعیت فعلی مورد استفاده قرار می گیرد و بیشتر خواستار بهبود و اصلاح وضعیت موجود است که امکان استمرار منبع حیاتی را فراهم کند. استراتژی حفاظت جهانی که در سال ۱۹۸۰ به وسیله اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی جهان^۴ مهیا شد، یک طرح عملیاتی را به حکومت ها توصیه می کند و برقراری اصل محافظت را بیان می کند که اهدافش به شرح زیر است:

- بقای چرخه اکولوژیک و پشتیبانی از سیستم حیات؛
- حفظ تنوع ژنتیک؛
- دستیابی به بهره برداری پایدار از انواع گونه ها و اکوسیستم ها.

از وقتی که راه های بهره برداری از گونه های حیات اعم از گیاه و حیوان در مقررات پذیرفته شده است، عملاً اصطلاح محافظت رواج یافته که دلالت دارد بر «سطح مطلوبیت پایدار محصولات» که بر اساس آن بهره برداری از منابع طبیعی باید به گونه ای صورت گیرد که به حد مجاز تجدیدپذیری آن منبع صدمه ای وارد نسازد و همچنین موجبات پایدار ماندن آن ذخایر طبیعی را فراهم نماید. در متون اخیر محافظت با ارجاع امر به اصل «توسعه پایدار» متکامل یا جایگزین شده که در حالت اطمینان بخش تری مساله تولید از منابع طبیعی قابل بهره برداری و حمایت از همه گونه های گیاهان و جانوران را تعقیب می کند. مفهوم اخیر که نسبتاً در این زمینه به طور فزاینده ای مورد استفاده قرار گرفته است

«حالت مطلوبیت حفاظت» است که مبتنی بر ایده بهره برداری و تولید نیست بلکه مبتنی است بر اطمینان دادن به حفاظت از منابع حیات (۶).

«اصل جلوگیری» (Prevention)

ضوابط و مقررات زیست محیطی باید علل نابودی محیط زیست را پیش بینی کرده و از آن ها جلوگیری کنند. وقتی که تهدیدهای جدی و خساراتی غیرقابل جبران وجود دارد، عدم تشخیص کامل این تهدیدها نباید دلیلی برای به تعویق انداختن ضوابط جلوگیری از تباهی زیست محیطی باشد. تجربه و عقیده متخصصان علمی ثابت می کند که اصل جلوگیری برای محیط زیست چه از جنبه اکولوژیک و چه از لحاظ اقتصادی به عنوان یک «قاعده طلایی» به حساب می آید. چون غالباً جبران آسیب های وارد شده به محیط زیست غیر ممکن است. این آسیب های جبران ناپذیر عبارتند از: انقراض گونه های جانوری و گیاهی، فرسایش خاک یا حتی تخلیه مواد آلوده کننده پرودام در داخل دریا که وضعیت های غیر قابل برگشتی ایجاد می کنند. حتی اگر خسارات وارد شده قابل جبران باشد هزینه های احیا، گران است (۶).

به طور تقریب همه اسناد حقوق بین الملل محیط زیست اصل جلوگیری از تخریب محیط زیست را به عنوان یک حقیقت، واقعیت بخشیده اند که بیشتر آن ها راجع به آلودگی دریاها، آب های داخلی، هوا یا حفاظت از منابع زنده است و فقط تعداد کمی سند بین المللی، راه های دیگر حفاظت محیط زیست از جمله اصل سنتی مسوولیت دولت در جهت همکاری مستقیم با قربانیان تجاوز به محیط زیست را مورد توجه قرار داده اند.

اصل جلوگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و پس از آن ارزیابی پیامدهای به جامانده از فعالیت های انجام یافته است (۶).

ارزیابی آثار زیست محیطی پیش از آغاز فعالیت یا طرحی که ممکن است آثار زیانبار زیست محیطی در خور توجه به بار آورد، باید آثار زیست محیطی که از اجرای طرح مذکور

- 1- Protection
- 2- Preservation
- 3- Conservation
- 4- (IUCN)

زیست به جای نگذاشته بود، اصل احتیاطی مورد توجه قرار گرفت و بیش از آن توسعه یافت (۶). این اصل را می توان از جمله ملاحظات و یکی از مهم ترین ابتکارات اعلامیه ریو تلقی نمود. از جمله در اصل ۱۵ اعلامیه ریو گفته شده: به منظور حفظ محیط زیست، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را بر اساس توانایی های خود مورد استفاده قرار دهند. اشاره به «دولت ها» جهانی بودن شمول اجرای اصل را می رساند و توجه به «توان هر دولتی» نشانگر مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت هاست. در بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، روند پیچیده مذاکرات منعکس شده است، «طرف های معاهده بهتر است، ضوابط احتیاطی را برای پیش بینی، جلوگیری یا به حداقل رساندن تغییرات آب و هوایی و کاهش آثار نامطلوب آن تهیه کنند.» که «این ضوابط باید با کمترین هزینه ممکن به نفع همه جهانیان باشد.»

مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی نیز اشاره می کند که «فقدان قطعیت علمی کامل نباید به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن ضوابطی برای اجتناب یا به حداقل رساندن» تهدید مهمی در جهت کاهش تنوع زیستی، بدون ارجاع فعالی به یک رهیافت احتیاطی استفاده شود.

سوالی که در طول مذاکرات مربوط به کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه اوزن و کنوانسیون تغییرات آب و هوایی در مورد این اصل مطرح شد، این بود که چه نوع خطری برای به بار آوردن مسئولیت پیشگیری از ضرر لازم است؟ پاسخ به این سوال می تواند از ابهام مفهوم عمل احتیاطی بکاهد. به نظر می رسد، اول این که ضرر باید مربوط به آینده و قابل پیش بینی باشد و نه فعلی و حتمی، چون تنها وقوع خطری قابل پیش بینی در آینده قابل پیشگیری است. دوم این که خطری که قرار است حادث شود، باید مهم باشد. پس «قابلیت پیش بینی منطقی» و «اهمیت خطر» دو مولفه ای هستند که باید در اعمال اصل احتیاطی در نظر گرفته شود (۸).

نتیجه ای که از این اصل می توان گرفت این است که دولت ها تنها وقتی می توانند کاری انجام دهند که نشان دهند آن کار، سبب ورود ضرر غیر قابل قبول به محیط زیست نخواهد

حاصل می شود، ارزیابی شود تا توسعه، حداقل زیان های جانبی را داشته باشد و پایداری را تضمین کند. بنابراین ارزیابی زیست محیطی به منزله انجام دادن طرح ها و تدوین راه کارهای لازم برای کاهش زیان های جنبی حاصل از اجرای طرح ها کمک کرده و در مجموع امتیاز اجرای طرح را بیشتر می کند (۷).

مطابق ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها: «هرگاه دولت ها دلایلی منطقی در دست داشته باشند حاکی از این که فعالیت هایی که تحت صلاحیت یا نظارت آن ها برنامه ریزی شده است، موجب آلودگی شدید محیط زیست دریایی شده یا تغییرات اساسی و زیان آوری در آن به وجود آورده، باید تا حدی که عملی باشد اثرات بالقوه این فعالیت ها را بر محیط زیست ارزیابی کرده و گزارش های مربوط به نتایج این ارزیابی ها را برای اعضاء ارسال دارند.»

در اعلامیه ریو نیز اصل ۱۷ در واقع تعریفی از ارزیابی آثار زیست محیطی را ارائه کرده است. اصل جلوگیری تکلیف می کند که هر دولتی در به کار گرفتن مقررات «باید سعی کند» که بر مبنای «عمل منصفانه» و به درستی و در جهت نظم عمومی، فعالیت های بخش خصوصی تحت قلمرو و نظارت وی، روی بخش محیط زیست زیان آور نباشد. اصل عدم سوء استفاده به عنوان یک وظیفه مطلق در جلوگیری از همه زیان ها تاکید دارد، اما الزامی که بر دولت ها در جهت ممنوعیت فعالیت هایی اشاره می شود، وقتی است که آن فعالیت موجب زیان شدید در محیط زیست گردد. برای نمونه تخلیه فضولات سمی به داخل یک دریاچه بین المللی که بر اساس ضرر وارد شده از نتایج فعالیت های مجاز باید به حداقل رسانده شود. مثلاً اعمال محدودیت در مورد تخلیه دی اکسید سولفور^۱ در هوا موثر است (۶).

اصل احتیاطی (Precaution)

در جهت دستیابی به توسعه پایدار، سیاست ها باید بر اساس اصل عمل احتیاطی بنا شود. در زمانی که هنوز اصل جلوگیری، آثار اساسی خود را بر کل مقررات حفاظت محیط

شد. هر چند این تفسیر و نتیجه گیری از اصل مورد بحث، در جهت محدود کردن حاکمیت کشورهاست اما بانک جهانی در ارزیابی طرح های مختلف برای «دادن وام عملاً از آن پیروی کرده است». به همین ترتیب از این اصل حتی در مورد خسارت غیر قابل اثبات زیست محیطی (مثل ایجاد شکاف در لایه ازن) فقط با استناد به اهمیت خطر می شود خواستار اقدامات جبرانی شد. و بار اثبات بی خطر بودن فعالیت را به عهده طرف مقابل (مدعی علیه) نهاد. به عنان مثال در مساله باران اسیدی آمریکای شمالی، به هنگامی که کانادا پیشنهاد کرد که ایالات متحده، طبق حقوق بین الملل اقدامات جبرانی انجام دهد، دولت ایالات متحده از «عدم تشخیص علمی» به اضافه «قابل رفع بودن» انتشار آلودگی به عنوان دلایلی برای رد درخواست کانادا استفاده کرد.

اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده

کننده محیط زیست

بر اساس این اصل، هزینه رفع آلودگی باید از سوی آلوده کننده آن پرداخت شود. این اصل از یک سو حق دیگران در برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت می شناسد و از سوی دیگر نوعی اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از تخریب محیط زیست به شمار می رود. اصل الزام به پرداخت غرامت از سوی آلوده کننده محیط زیست بابت خسارت وارد شده، اولین بار از سوی سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه مطرح شد. امروزه این اصل در معاهدات و سایر اسناد مهم بین المللی و رویه قضایی مورد استناد قرار گرفته و به عرف بین المللی تبدیل شده است.

اصل ۱۶ اعلامیه ریو با تاکید بر منافع عمومی و همچنین اشاره به این که اصولاً آلوده کننده محیط زیست باید هزینه های رفع آن را بپردازد، از دولت ها می خواهد تا اصل مذکور را مورد توجه قرار دهند. در فصل ۲۰ دستورکار ۲۱ نیز از دولت ها خواسته شده است تا در سیاست های داخلی خود به ویژه در ارتباط با زباله های خطرناک، به این مسئله نیز توجه داشته باشند (۱).

این اصل از زمان طرح مسئولیت مدنی افراد در معاهدات بین المللی در خصوص حوادث هسته ای و نفتی که بر اساس آن افراد در برابر فعالیت هایی که منجر به تخریب محیط زیست می گردد، دارای مسئولیت مدنی می باشند، وارد حقوق بین الملل محیط زیست گردید؛ هر چند قبل از آن نیز این موضوع در احکام دیوان های بین المللی مورد استناد قرار گرفته بود. بر همین اساس، دیوان داوری اسملتر، کانادا را به علت آلوده کردن محیط زیست آمریکا مسئول شناخت و اعلام داشت که آن کشور باید غرامت خسارات وارد شده به محیط زیست آمریکا را بپردازد. البته باید توجه کرد که در مورد اخیر، مسئولیت کانادا یک مسئولیت ناشی از خطر بود که ناشی از انجام فعالیت هایی است که انجام آن در حقوق بین الملل منع نشده است و نه مسئولیت ناشی از خطا که نتیجه نقض یک تعهد الزام آور بین المللی مطرح می گردد. در هر صورت، امروزه این نوع از مسئولیت نیز به یک قاعده عرفی بین المللی تبدیل شده است.

در اجرای این اصل، شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان مرجع صالح بین المللی در زمینه حفظ صلح و امنیت جهانی، عراق را به خاطر تخریب محیط زیست در جریان حمله به کویت مسئول دانست و آن کشور را موظف نمود تا غرامت خسارات وارد شده به محیط زیست کویت و سایر کشورهای همسایه، از جمله جمهوری اسلامی ایران را بپردازد. بر همین اساس میزان خسارات وارد شده به محیط زیست منطقه از سوی کشورهای آسیب دیده ارزیابی و به اطلاع کمیته غرامت شورای امنیت رسید کمیته مذکور نیز تا کنون بخشی از غرامات مربوط را پرداخت کرده است (۵).

سند (حقوقدان معروف آلمانی)، معتقد است: با توجه به این که کشورهای توسعه یافته سهم اعظم تخریب محیط زیست جهانی را با ایجاد آلودگی ناشی از فعالیت های صنعتی بر عهده داشته اند، پذیرش اصل مسئولیت آلوده کننده به کشور های در حال توسعه کمک می کند یک مبنای حقوقی دیگر برای مطالبه «قرض به طبیعت» در دست داشته باشند و اصل مسئولیت تاریخی کشورهای شمال را تحکیم بخشند (۱).

مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست مرتبط با توسعه

پایدار

مفهوم میراث مشترک بشریت

میراث مشترک بشریت مفهومی است که اخیراً قاعده مند شده است و سابقه آن به پایان دهه ۱۹۶۰ بر می گردد. مفهوم میراث مشترک بشریت مفهومی گسترده تر از معنی اموال مشترک دارد که مفهوم اموال مشترک در حقوق بین الملل بر بخش هایی خارج از قلمرو ملی اشاره دارد. مانند دریای آزاد و فضاهای دست نخورده که نمی توانند قابل دسترسی باشند و این ها متعلق به جامعه ملل هستند، هرچند منابع موجود در آن می تواند به وسیله هر کسی مورد بهره برداری قرار گیرد. از آن جا که میراث مشترک در ارتباط با عموم بشریت هستند، لذا باید مورد حمایت نظام های حقوقی ویژه ای قرار گیرند. در مناطق و نواحی معینی این حق پذیرفته شده است، از آن جمله: نظام حقوقی اعماق بستر و زیر بستر دریاها، قطب جنوب، کره ماه، اجرام سماوی، فضا، همین طور مناطق و محل ها و بناهای تاریخی نیز که به عنوان آثار باستانی در بخش مربوط به امور فرهنگی به عنوان میراث مشترک بشریت تلقی می شوند (۶).

این مناطق نمی توانند در اختیار حاکمیت انحصاری دولت ها قرار گیرند، اما باید از آن ها محافظت شده و بهره برداری از آن ها به گونه ای باشد که منافع همه بشریت (نسل های حاضر و آینده) را بدون هیچ تبعیض تامین کند.

مفهوم میراث مشترک بشریت شامل ۵ مفهوم اصلی می شود. عدم تخصیص، مدیریت بین المللی مشترک، تقسیم منافع (به خصوص به سود کشورهای در حال توسعه)، شرط مقاصد صلح آمیز و حفاظت برای نوع بشر (۹).

لازم به ذکر است، کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲) از کنوانسیون های مهمی است که مفهوم میراث مشترک را به کار گرفته است.

همچنین کنوانسیون تنوع زیستی، حفاظت و استفاده پایدار از تنوع گونه های زیستی تحت قلمرو هر دولتی را به دولت های طرف این کنوانسیون واگذار نموده است (مواد ۶ تا

۱۰). در مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی آمده است: «حفظ تنوع زیستی مساله تمامی بشریت است.» همچنین اعلام می کند. «دولت های طرف معاهده مسئول حفظ تنوع زیستی کشور خود و استفاده پایدار از منابع زیستی شان... در راستای منافع نسل کنونی و آینده اند.»

این مفهوم در مسایل جهانی محیط زیست، خصوصاً مسایلی نظیر شکاف لایه اوزن، جنگل زدایی، گرم شدن کره زمین و... منطقی تر و قابل قبول تر است، چرا که تعدادی از منابع طبیعی (مثل جو زمین) قابل تقسیم و مالکیت پذیر نیست و در عین حال مورد استفاده همه بشریت قرار گرفته است و می گیرد (۸).

بر اساس این اصل همه دولت ها موظف هستند، تا از محیط زیست مناطق تحت عنوان میراث مشترک بشریت محافظت نموده و از تخریب یا آلوده سازی آن خودداری کنند تا همگان از منافع آن بهرمند شوند.

مفهوم حقوق نسل های آینده

در حقوق بین الملل محیط زیست، حقوق نسل های آتی بشر برای برخورداری از شرایط مناسب زندگی بر روی کره زمین نیز مورد توجه و شناسائی قرار گرفته است. بر همین اساس، تخریب محیط زیست، با توجه به تبعات منفی آن، تعدی به حقوق نسل های آینده قلمداد می گردد و باید از آن اجتناب شود. حفاظت از حقوق نسل های آینده یکی از مفاهیم اساسی در بسیاری از اسناد بین المللی در زمینه محیط زیست است. از جمله در بیانیه های استکهلم و ریو نیز به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است.

در ارایه تعریفی قابل قبول برای این حقوق می توان گفت، حقی است که به موجب آن منافع یک نسل از لحاظ پیشرفت طبیعی میراث فرهنگی که از نسل قبلی به ارث رسیده است، به نسل آینده انتقال می یابد. بر اساس این حق، حفاظت از منابع طبیعی تجدیدپذیر و همچنین حمایت از اکوسیستم و جریان های تقویت کننده حیات و علاوه بر آن حمایت از دانش بشر و فرهنگ و هنر به عنوان یک ضرورت تلقی می شود و

مستلزم اجتناب از فعالیت های زیان آور و آثار غیر قابل جبران آن بر طبیعت و میراث فرهنگی است (۶).

اعلامیه استکهلم که نخستین پایه گذار این اصل تلقی می شود، در اصل اول می گوید: «انسان ... مسئولیت خطیر حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل های آینده را به عهده دارد.» همین طور این اصل در معاهدات گوناگون و دیگر اسناد بین المللی تکرار شده است، به ویژه در بند ۱ ماده ۳ در چارچوب کنوانسیون تغییرات آب و هوا اعلام می کند: «اعضا باید سیستم آب و هوا را به نفع نسل های فعلی و آینده بشر بر مبنای تساوی و طبق مسئولیت های مشترک ولی متفاوت و قابلیت های خود مورد حمایت قرار دهند.» اصل ۳ اعلامیه ریو راجع به محیط زیست و توسعه، حقوق نسل های آینده بشر را با حق توسعه مربوط می داند و به موجب آن می گوید: «حق توسعه باید مشروط به این باشد که نیازهای نسل کنونی و آینده، با توجه به توسعه و محیط زیست، به طور عادلانه مراعات شود.»

اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت

این اصل برای اولین بار در مقدمه اعلامیه استکهلم آمده است. اعلامیه استکهلم در عین این که وضعیت جهان امروز را به طور خلاصه بیان کرده است، وظایفی متفاوت برای هر کدام از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پیش بینی کرده که با وجود متفاوت بودن به نتیجه واحد یعنی حفظ محیط زیست منتهی می شود و از آن جا که به در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی در روند توسعه اشاره شده در واقع می توان گفت هدف نهایی اعلامیه استکهلم رساندن کشورهای شمال و کشورهای جنوب از دو راه متفاوت به توسعه پایدار است (۸).

بر اساس این اصل، همه دولت های جهان به طور مشترک مسئولیت دارند تا از تخریب محیط زیست پیشگیری نموده و از آن حفاظت و حمایت به عمل آورند. با وجود این و علی رغم تساوی حاکمیت دولت ها، مسئولیت کشورها بایستی

متناسب با امکانات و توانایی های آن ها و برابر با نقشی باشد که آن ها در تخریب محیط زیست داشته اند.

برای حل مسائل زیست محیطی در این اصل با دو نوع مسئولیت مواجه می باشیم که اولی مسئولیت کشورهای پیشرفته است که عمدتاً بر پایه نقش تاریخی آن ها در آلودگی محیط زیست می باشد. و دومی، مسئولیت کشورهای در حال توسعه که بیشتر با تخریب محیط زیست از سوی این کشورها در سال های اخیر همراه می باشد. البته این مسئولیت از حیث دیگری نیز متفاوت است: به دلیل تفاوت وضعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، ضوابط فنی هم که باید برای رسیدن به توسعه پایدار اتخاذ کنند، با هم متفاوت می باشد (۱). اصل ۷ اعلامیه ریو و اصل ۱۱ این اعلامیه گویای همین مطلب است. به عنوان مثال اصل ۱۱ بیان می کند که «استانداردهای مربوط به محیط زیست باید منعکس کننده چارچوب محیط زیست و توسعه ای باشد که به آن مربوط می شود.»

این اصل که از اصل تساوی حقوق و اصل انصاف در حقوق بین الملل نشأت گرفته، بر این اساس استوار است که اصل انصاف حکم می کند، دولت های توسعه یافته که بیشترین نقش را در آلوده سازی و تخریب محیط زیست داشته اند و از امکانات و توانایی های بیشتری نسبت به کشورهای در حال توسعه برخوردار هستند، در حفاظت از آن نیز مسئولیت سنگین تری به عهده بگیرند. بر همین اساس، کشورهای در حال توسعه نیز به تناسب نقش کمتر آن ها در تخریب محیط زیست کره زمین، مسئولیت سبک تری بر عهده دارند و نیازها و شرایط این جوامع نیز باید مدنظر قرار گیرد (۵).

در این جا به دلیل اهمیت اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت به طور کامل اصل ۷ اعلامیه ریو ذکر می گردد:

«کشورها باید با روح مشارکت جهانی برای نگه داری، حمایت و احیای تمامیت و سلامت زیست بوم کره زمین با هم همکاری کنند. کشورها با نگاهی به سهم متفاوتشان در تخریب محیط زیست جهانی، مسئولیت مشترک ولی متفاوتی دارند. کشورهای توسعه یافته مسئولیتی را که در زمینه پیگیری بین المللی

- در دسته دوم گروه کشورهای اروپای شرقی که سابقاً دارای نظام های کمونیستی بودند، مورد توجه قرار می گیرند این کشورها در حال گذار از مراحل انتقال به اقتصاد بازار هستند که باید ملاحظات در نظر گرفته شود تا بتوانند به تعهدات خود در مقابله با تغییرات آب و هوا عمل نمایند. (بند ۶ ماده ۴)
 - دسته سوم گروه کشورهای در حال توسعه هستند که باید کمک مالی دریافت کنند و از انتقال فن آوری بهره مند گردند. آن ها باید ترتیبی اتخاذ نمایند که در چارچوب مقررات کنوانسیون بیشتر وقت خود را صرف ارتباط با دولت های عضو که در فهرست کشورهای در حال توسعه قرار می گیرند، بنمایند (۶). در پایان امید است که این راه حل ها به کاهش تخریب محیط زیست جهانی کمک کند.
- البته حایز اهمیت است که توسعه پایدار خود به عنوان مفهومی در حقوق بین الملل محیط زیست مطرح می باشد که از آنجا که پس از پایان دهه ۱۹۸۰، کلید حل مسایل این دوره در حوزه حفاظت از محیط زیست «اصل توسعه پایدار» بوده است. و در طول مذاکرات کنفرانس محیط زیست و توسعه گروه ۷۷ و کشورهای در حال توسعه توانستند با اجماع، حق توسعه را در اصل ۳ اعلامیه ریو بگنجانند. که بیان می دارد حق توسعه باید به نحوی اعمال شود که به طور مساوی نیازهای نسل کنونی و نسل های آینده را در زمینه توسعه و حفظ محیط زیست برآورده سازد. اما در عوض کشورهای توسعه یافته توانستند اجماعی در مورد اصل ۴ کسب کنند. لازم به ذکر است اصل ۴ اعلام می دارد: به منظور نیل به توسعه پایدار، فرایند توسعه باید هماهنگ با حفاظت از محیط زیست باشد و نمی تواند جدا از آن در نظر گرفته شود. این دو اصل در واقع قلب اعلامیه ریو می باشند و لزوماً باید با هم در نظر گرفته شوند. اصل ۳ بسیار شبیه به تعریف توسعه پایدار در کمسیون براتلند است، اصل ۴ نیز محیط زیست را جزء تفکیک ناپذیر توسعه می داند. تنها تفاوت این دو اصل این است که تاکید

توسعه پایدار دارند، با توجه به فشارهای جوامع خویش بر محیط زیست جهانی و فن آوری ها و منابع خود بر عهده گرفته اند.»

طبق این اصل مشخص می شود که کشورهای پیشرفته باید کشورهای در حال توسعه را از دو جنبه یاری دهند: تامین منابع مالی و انتقال فن آوری لازم برای دستیابی به توسعه پایدار.

هر چند اصل مذکور در تمام اسناد کنفرانس بین المللی محیط زیست و توسعه بیان شده است، اما به نظر می آید ترتیبات لحاظ شده در کنوانسیون تغییرات آب و هوایی دقیق تر و مفصل تر باشد. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، میان تعهدات عمومی مربوط به تمام متعاهدین و تعهدات خاص که فقط مخصوص کشورهای پیشرفته است، تفاوت قایل شده است. (۱) این تفاوت ها عبارتند از:

- دسته اول، کشورهای توسعه یافته اند که «باید گام مهم تری در جهت مبارزه با تغییرات آب و هوا و اثرات سوء آن بردارند.» (به موجب بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون مذکور) برای انجام این امر این گروه کشورها باید اقدام به تامین جدید و مضاعف مالی برای پرداخت هزینه های مورد توافق به کشورهای در حال توسعه بکنند که متحمل شدن هزینه سنگین از سوی کشورهای در حال توسعه جزء تعهدات مورد قبول آن هاست (بند ۳ ماده ۴). کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه که به خصوص در مقابل اثرات سوء تغییرات آب و هوا آسیب پذیرند، در پرداخت هزینه های انطباق با اثرات سوء مذکور کمک خواهند نمود (بند ۴ ماده ۴). آن ها باید انتقال فن آوری بی خطر برای محیط زیست و دانش مربوط به آن را برای کشورهای در حال توسعه تسهیل کنند (بند ۵ ماده ۴). آن ها همچنین باید اطلاعات لازم را در چارچوب مقررات قابل اجرای کنوانسیون که در جلسات مختلف اتخاذ می گردد، ارسال دارند.

اولی بیشتر بر توسعه و تاکید دومی بر محیط زیست می باشد (۱).

اضافه می گردد اصل اول اعلامیه استکهلم حق زیستن و حق برخورداری از محیط زیست مناسب را با هم پیوند داده است. با توجه به این که توسعه پایدار، مفهومی است که قادر است حق توسعه و حق برخورداری از یک محیط زیست سالم را یک جا بیان کند. بنابراین می توان حق توسعه پایدار را یکی از مصادیق حقوق بشر دانست. این دیدگاه در تعداد زیادی از اسناد بین المللی که انسان را محور توسعه قرار داده اند، دیده می شود.

به نظر «سینگ»، قاضی سابق دیوان بین المللی دادگستری حق توسعه ریشه در منشور سازمان ملل دارد: «اصول اساسی حاکمیت، تساوی، عدم استفاده از زور، عدم مداخله، عدم تبعیض، تعیین سرنوشت و همکاری چند جانبه که در منشور آمده، هنگام وضع سنگ بنای حقوق بشر، زیربنای حق زیستن، حق صلح، حق داشتن محیط زیست مناسب و حق توسعه پایدار را تشکیل می دهند» (۱۱).

در تدوین اصل توسعه پایدار، اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی پافشاری و بنیان دقیق برنامه ریزی برای توسعه هماهنگ با محیط زیست را پایه گذاری کرد و تاکید کرد سیاست های توسعه باید با هدف محرومیت زدایی، بهبود کلی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حمایت از تنوع گونه های زیستی و بقای جریان های اساسی اکولوژی و تقویت سیستم های حیات صورت پذیرد. برنامه های حمایت از محیط زیست باید روی جزئیات طرح ها و چگونگی اجرای فعالیت های مربوط به آن طرح در همه مراحل و سطوح مختلف با در نظر داشتن ملاحظات زیست محیطی به طور کامل و سازگار با عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصمیم گیری صورت پذیرد. در نهایت دولت ها باید در جهت وضع مقررات منطبق با سیاست های توسعه و محیط زیست ارشاد شوند که برای طرح های در دست اجرا، قوانین لازم را وضع و امکان اجرای عملی را فراهم نمایند و با تدابیر اقتصادی و تاسیس ساختاری موثر و

رویه هایی کاملاً منطبق با جریانات زیست محیطی و توسعه در کل کره زمین تصمیم گیری نماید.

نکته ای که در این جا باید اضافه شود، لزوم رسمیت دادن به برنامه ریزهای بلند مدت برای دسترسی به اهداف معینی است که این روش راهبردی ممکن است شامل چگونگی استفاده از محیط زیست و ارزیابی پیامدهای مسایل اجتماعی، تجزیه و تحلیل نتایج هزینه های انجام شده و حسابداری منابع طبیعی گردد. در این برنامه ریزی باید همه جوانب محیط زیست را در سازگاری با سیاست های اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفت و همچنین باید به طور شفاف و با مشارکت عموم این تصمیمات به وسیله دولت ها اتخاذ شود (۶).

نتیجه ای که از مطالب بالا می توان گرفت این است که، با توجه به تکامل مفهوم توسعه پایدار در حقوق بین الملل به طور عام و حقوق بین الملل محیط زیست به طور خاص انتظار آن می رود که مفهوم توسعه پایدار از حالت مفهومی بودن خارج گردد و به صورت اصلی مهم در حقوق بین الملل محیط زیست تبدیل شود. تا کاربرد عملی یابد و در نهایت همان طور که سازمان ملل متحد نوید می دهد هر چه سریع تر شاهد تحول حقوق بین الملل محیط زیست به حقوق بین الملل توسعه پایدار باشیم.

نتیجه گیری

توجه حقوق بین الملل محیط زیست به ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در اجرای قواعد حقوق بین الملل محیط زیست، موجب گردیده محیط زیست به عنوان بخشی مهم از فرایند توسعه پایدار در آید و تاکید بیشتری بر لزوم هماهنگی «توسعه و محیط زیست» در میان اسناد و بیانیه های سازمان ملل متحد شود.

الزام و اقتدار قواعد و مقررات حقوق بین الملل محیط زیست، از معاهدات بین المللی، عرف بین الملل و اصول کلی حقوق کسب می شود. از آن جایی که هنوز کنوانسیون جامع درباره توسعه پایدار وجود ندارد که به بیان حقوقی از مفهوم آن پردازد، به بررسی اصول در کنار سایر مفاهیم مرتبط با آن در

منابع

1. Sands, P. Principles of International Environmental Law (vol. I: Framework, Standards and Implementation. 1995)
2. Kiss, A. and Shelton, D. International Law (1991, Supplement 1994)
3. Momtaz, J. (1996) The united Nations and The Environment From Stockholm to Rio de Janeiro, Political Geography vol. 15, No. 314, 261-271
4. Delhi Declaration on Principles of International Law Relating to Sustainable Development, April 2002.
۵. ناظمی، مهرداد، ۱۳۸۵، جزوه درس حقوق بین الملل محیط زیست، دانشکده محیط و زیست و انرژی
۶. حبیبی، محمد حسن، ۱۳۸۴، حقوق محیط زیست، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران
۷. مکتون، رضا و همکاران، ۱۳۷۶، تحقیقات و توسعه پایدار، نشریه رهیافت، شماره ۱۷
۸. صدر، شادی، ۱۳۷۷-۱۳۷۸، مفهوم توسعه پایدار در حقوق بین الملل محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۹. ملک محمد نوری، حمید رضا، ۱۳۷۰، قاره جنوبگان در حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
10. Singh, N. (1988) Sustainable Development, Eart, P.D. et al. (eds) Martinus Nijhoff
۱۱. روستا، فخرالضحی، ۱۳۸۶، تحلیل مفهوم و الزامات توسعه پایدار در سند ژوهانسبورگ و تاثیر آن بر حقوق محیط زیست ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

حقوق بین الملل محیط زیست پرداخته شد. این اصول که عمدتاً از عرف بین الملل وارد متون نوشته و قراردادی شده اند، به نحوی تمام اعضای جامعه بین الملل را متعهد و ملزم می کنند اگرچه درجه الزام آوری آن ها متفاوت است. اما باید به آن ها در یک مجموعه یکپارچه نگریسته شود. چراکه هر اصلی اصول دیگر را تکمیل می کند.

طبق تعریفی از توسعه پایدار که مورد قبول عام می باشد و جامعه جهانی بر آن وفاق دارد: «توسعه پایدار یعنی قابلیت بشر برای برآوردن نیازهای نسل حاضر بی آن که به حق و توان نسل های آینده برای برآوردن نیازهایشان آسیب رسد. (گزارش آینده مشترک ما، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه)

تقریباً همه اصول حقوق بین الملل محیط زیست در جهت اثبات مفهوم توسعه پایدار به کار می آیند. اصولی از قبیل: اصل حاکمیت بر منابع طبیعی، اصل تعهد به همکاری، اطلاع رسانی و کمک در مواقع اضطراری زیست محیطی، اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست، اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده کننده محیط زیست، اصل جلوگیری و اصل احتیاطی. البته مفهوم توسعه پایدار به طور مستقیم و واضح در میان مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست مثل (مفهوم میراث مشترک بشریت، مفهوم حقوق نسل های آینده) بیشتر از این اصول به چشم می خورد و جهت اجرای توسعه پایدار جهانی تعهد به اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت کشورها که از مفاهیم بسیار مهم حقوق بین الملل محیط زیست می باشد، بسیار تاکید شده است.

در پایان لازم به ذکر است که اختلافی که کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر سر پذیرش مفهوم توسعه پایدار دارند، ناشی از این طرز تفکر است که توسعه پایدار را الگویی واحد برای تمام کشورها فرض می کنند. اما تاکید بیشتر اسناد سازمان ملل در خصوص توسعه پایدار بر این است که کشورها بر اساس شرایط خود قوانین شفاف و پاسخگو وضع نمایند.